

منبعث

آسایش از زحمت و کار است منبعث
امنیت از نوع کردار است منبعث
غزالان در خیمه لیلی جستند پناه
بیم خوشخرامان از شکار است منبعث

خواب یوسف از ازل دعوت جاه بود
تلخکامی یعقوب از انتظار است منبعث
هیچ منظربی عواطف گوارا نه شد
لذت یخن از انار است منبعث
شیون بلبل زار، این مرغ سحر
از عطر گل‌هایی بهار است منبعث
خدمت انسان میرساند بر خدا
جمع دل از لطف دلدار است منبعث
از غرور راه نیست به سر منزل مراد
قرب نعمت از خاک سار است منبعث
کارگه شهود را نازم کز روی عقل
صحت اقرار از انکار است منبعث
حلقه پیروزمندیت ساخت هوشدار
این مهره از دهن مار است منبعث
در مزرع زمان بذر نیکی فشان
این ، از تجربه روزگار است منبعث
ظلمت نه باشد نور از چه گردد عیان
صیقل آئینه از زنگار است منبعث
شب‌نمی ، از رشحه چکک قانع است

برفلسفی، از کم بسیار است منبعث
امید ها از نا امیدى گردد پدید
نگه مرموز از خمار است منبعث
یک سخن، تضاد، هستی رامایه وجود
خنده صبح از شب تار است منبعث
انتزاع فروغ از آتش دل است
ذره ما از انفجار است منبعث

م.ش.فروغ

2015/05/21

UAE